

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران

تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵

E_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان

تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

E_mail: abdolgolparian@gmail.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۱ بهمن ۱۳۸۸، ۱۰ فوریه ۲۰۱۰

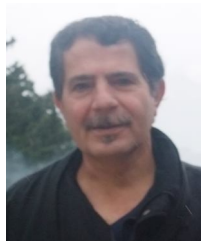
Iskraa_nkk@yahoo.com

سر دبیر: منصور فرزاد - عبدال گلپریان



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

ایسکرا ۵۰۵



منصور فرزاد

خطاب به حزب حکمتیست! جمهوری اسلامی رفتنی است

مبارزات شور انگیز مردم در روز ۶ دی (عاشورا) نقطه عطفی در مبارزات مردم بود که موقعیت مردم را در مقابل رژیم قوی کرد. جناح موسوی- کروی مخالف شدید دخالت بیشتر مردم در مبارزات است. مضمون اصلی فعالیت این جناح پیداکردن راهی بمنظور تداوم نظام بشکل دیگری است. مثلا حکومت اسلامی بدون ولایت فقیه و یا ولایت فقیه با قدرت محدود و قابل کنترل از طرف قانون و مجلس و آزادی مطبوعات و

صفحه ۲

پیام حمید تقوائی بمناسبت سالگرد قیام بهمن ۲۲ بهمن. امسال روز پیروزی نسل شکست نخوردگان بر سرکوبگران انقلاب ۵۷!

درمانده بود به اتمام رساند و انقلاب را با یورش به دانشگاهها و با حمله به کردستان، با شلیک به کارگران بیکار و هجوم به شوراها کارگری و

صفحه ۲

و رفاه قیام کردند اما علیرغم سرنگون کردن دیکتاتوری شاه نتوانستند به خواستهای برحق خود برسند. ارتجاع اسلامی تازه بقدرت رسیده کاری که رژیم شاه در انجامش

مردم آزاده و مبارز ایران! ۲۲ بهمن روز سالگرد انقلابی است که بوسیله ارتجاع اسلامی به شکست کشانده شد. ۳۱ سال پیش مردم ایران با خواست آزادی و برابری

فراخوان حزب کمونیست کارگری به مناسبت ۲۲ بهمن! جمهوری اسلامی را در هم بکوبیم!

هر دم از این باغ بری می رسد

اعدام جواب ناسیونالیسم کرد به معضلات جامعه است



عبدال گلپریان

نگاهی به سیاست و مواضع جریانات سیاسی در مورد مجازات اعدام

نقشه قبلی کسی توسط کس دیگر. اینکه یکسوی این قتل یک دولت و یا یک مرجع فائقه سیاسی است کوچکترین تغییری در این واقعیت نمیدهد که ما با یک قتل عمد طرفیم. مجازات اعدام وقیحانه ترین و

صفحه ۲

مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل میرسانند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم میکنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هردو از یکجا مایه میگردد، مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با



ناصر اصغری

نخواهند کشت، بخاطر چیز بسیار کم ارزشی آماده است که کسی را بکشد. بنابراین بهترین بازدارنده این است که چنین شخصی بداند اگر کسی را بکشد خود نیز کشته خواهد شد." (بنقل از اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری)

عبدالله حسن زاده که در تمام ۳۰

صفحه ۲

عبدالله حسن زاده، یکی از رهبران و قدیمی ترین کادرهای ناسیونالیسم کرد در ایران، اخیرا گفته است: "لغو مجازات اعدام در یک منطقه و در یک کشور که فضای فکری و سیاسی و فرهنگی آن مثل منطقه و کشور ما باشد درست نیست. او در ادامه می گوید: در فرهنگ ما اگر کسی بداند که او را

بهمن خیابانها مال ما است! ۲۲ بهمن روز تعرض گسترده به سرکوبگران و اوباشان جمهوری اسلامی است!

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

فراخوان حزب کمونیست کارگری به مناسبت ۲۲ بهمن! جمهوری اسلامی را در هم بکوبیم!

۲۲ بهمن در دل انقلابی دیگر از راه می‌رسد. انقلابی به مراتب عظیم‌تر و عمیق‌تر که با قدرت برای پیروزی کامل، یعنی درهم شکستن کامل رژیم حاضر و تحقق آزادی و برابری و همه آرمان‌های شریف مردم به پیش می‌رود.

سی و یک سال پیش مردم به پادگانها، شهریهانی ها، ساواک و سایر مراکز دولتی هجوم بردند و دستگاه سرکوب شاه را تماما در هم کوبیدند. قیام بهمن که علیرغم توافقات بالایی ها مبنی بر تحویل ماشین

دولتی شاه به خمینی رخ داد، فقط به خرد کردن دستگاه اعمال دیکتاتوری محدود نبود. مردم همچنان کوشیدند تا خلاء قدرت را با ابتکارات انقلابی و اعمال حاکمیت خود پر کنند. برای مدتی اداره بسیاری از محلات و حتی برخی شهرها (نظیر سنندج) مستقیما بدست مردم افتاد؛ کنترل بسیاری کارخانه‌ها عملیات تحت نظارت کارگران و شوراهایشان درآمد؛ دانشگاه‌ها بدست دانشجویان افتاد؛ بسیاری از روزنامه‌ها توسط شوراهای منتخب کارکنان اداره میشد... و چنین بود که به یمن قیام بهمن و ابتکارات مردم انقلابی، ولو برای مدتی کوتاه، خیابانهای تهران و بسیاری شهرها آزاد ترین و امن ترین نقطه جهان بود. برای خمینی و جنبش ملی اسلامی حدود ۳ سال و جنایات بیشماری از هجوم به زنان، شلیک به کارگران بیکار، حمله نظامی به کردستان، آتش زدن دفاتر روزنامه‌ها، حمله به دانشگاه و پاکسازی‌های گسترده تا اعدام‌های بیشمار و یک هالوکاست اسلامی لازم آمد تا دستاوردهای قیام بهمن را تماما باز پس

گیرد و انقلاب ۵۷ را در خون خفه کند. حکومت اسلامی برای بقا، خود دانشا بر ابزارهای سرکوب افزود و ماشین دولتی به مراتب مخوف‌تری را برپا داشت.

اکنون انقلاب ۸۸ برای پایان دادن به جمهوری اسلامی و تحقق اهداف ناکام انقلاب ۵۷ به پا خاسته است. این انقلاب طی هفت ماه گذشته گام به گام رژیم اسلامی را عقب نشانده و تضعیف کرده است. تظاهرات ۶ دی (عاشورا) دقیقا همین دستگاه سرکوب و مشخصا خط مقدم آنرا هدف قرار داد و اوپاش حکومتی را تارومار کرد. گام بعدی انقلاب تنها میتواند درهم شکستن کامل ماشین سرکوب و جنایت‌بمنظور تسلیم کامل جمهوری اسلامی باشد. این همان چیزی است که مردم در تدارک روز ۲۲ بهمن خود را برای آن آماده میکنند. یک قدرتمندی عظیم در خیابانها و یورش به ابزارهای سرکوب و اقتدار جمهوری اسلامی، از زندان اوین گرفته تا دادگاه‌های اسلامی تا صدا و سیما و قوه قضاییه و غیره. درست

همین چشم انداز است که نه فقط جناح حاکم جمهوری اسلامی را سخت به وحشت انداخته بلکه جناح مغلوب و همه‌هوداران و وابستگان به جمهوری اسلامی را به تکاپو واداشته است. در کنار برپا کردن چوبه‌های دار و عربده‌کشی‌های حاکمان برای مرعوب کردن مردم، طیفی هم بیابانه می‌دهند و یورش بحق مردم برای درهم شکستن جمهوری اسلامی را تحت عنوان "خشونت طلبی" محکوم میکنند و موعظه خشونت نکنید، "بهانه بدست حکومت ندهید"، "به نیروهای حکومت حتی وقتی به شما حمله میکنند یورش نبرید"، سر میدهند. اینان همانها هستند

که مستقیم و غیر مستقیم از به سراسیمه افتادن حکومت توحش اسلامی به وحشت افزاده‌اند. موعظه "خشونت نکنید" در واقع دفاعی موزیانه از همین حکومت سرپا خشونت است. "خشونت نکنید" یعنی بگذارید گله‌های سیخ و پاسدار و مزدوران به راحتی صفوفتان را پراکنده کنند. یعنی قربانیان دست و پا بسته جلادان حاکم باشید. خشونت طلب کسانی هستند که از بقا، خشن‌ترین و جنایت‌کارترین حکومت‌های تاریخ معاصر چنین بی‌شرمانه دفاع میکنند. درهم

صفحه ۵

پیام حمید تقوایی بمناسبت سالگرد قیام ۲۲ بهمن از صفحه ۱

منزلت و معیشت انسان. این انقلابی است که با استقرار یک حکومت و نظام انسانی میتواند به پیروزی برسد. و تمام نقطه قدرت و ضمانت پیروزی این جنبش عظیم نیز در همین خصلت جهانشمول و آزادخواهانه انسانی آنست.

مردم آزاده!

۲۲ بهمن امسال میتواند سرآغاز ریزش سریع حکومت اسلامی باشد. این روزی است که میتوان بقدرت سیل جمعیت میلیونی در تهران و شهرستانها نیروهای انتظامی را فراری داد و کنترل خیابانها را بدست گرفت، به رادیو تلویزیون و دیگر مراکز حکومتی حمله کرد، درب زندانها را درهم شکست و زندانیان سیاسی را آزاد نمود، حجابها را کنار گذاشت و دیوارهای جداسازی جنسیتی را عملا در هم شکست، و در یک کلام چنان ضربه‌ای به حکومت وارد کرد که دیگر نتواند کمر راست کند.

امسال، سالگرد انقلاب ۵۷ میتواند روز پیروزی مردم بر سرکوبگران انقلاب ۵۷ باشد. با تمام قدرت بخوابانها بیابیم و نظام آدمخوار جمهوری اسلامی را درهم بکوبیم. پیروزی نزدیک است!

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی حزب

کمونیست کارگری ایران

۲۱ بهمن ۱۳۸۸، ۱۰ فوریه

۲۰۱۰

بالاخره با سرکوب وحشیانه مردم در سی خرداد ۶۰ در هم کوبید. جمهوری اسلامی نه حاصل و نماینده انقلاب ۵۷ بلکه عامل سرکوب و بشکست کشیدن آن بود. و جنایات این حکومت ضد انسانی در تمام سه دهه گذشته، با قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، با قتل‌های زنجیره‌ای مخالفان در داخل و خارج کشور، با یورش مداوم به اعتصابات و تشکلهای فعالین کارگری، با سرکوب مستمر زندان آزاده‌ای که هیچگاه خفت و حقارت اسلامی را نپذیرفتند، و با اعدام و سنگسار هر روزه مردم ادامه داشته است.

امروز ما مردم پیا خاسته‌ایم تا این ماشین جنایت و سرکوب را در هم بشکنیم. نسل دیگری بمیدان آمده است! نسل شکست نخوردگان! نسلی که پرچم خاسته‌های برحق و انسانی خود و نسل انقلاب ۵۷ و تمام نسلهایی که از انقلاب مشروطه تا امروز علیه دیکتاتوری و ظلم و تبعیض و نابرابری پیا خاستند و بخاک افتادند، را برافراشته است و عزم جزم کرده است تا یکبار برای همیشه به سرکوب و اختناق و فقر و نابرابری در جامعه پایان بدهد. انقلابی که امروز در جریان است نه اسلامی است و نه قومی، نه بر سر مذهب و قومیت است و نه آب و خاک و مرز و بوم. این انقلابی است انسانی و در دفاع از شان و حرمت و

ذهنیت سایکوپتیک و طالبانی دیگر با چه زبانی بگوید که ایشان همان ملای مرتجع ۶۰ سال پیش است.

جامعه ای را که ملا عبدالله حسن زاده توصیف می کند را من نمی شناسم. حداقل کردستان ایران نیست. کردستانی که من می شناسم، پیشقدم مبارزه برای لغو مجازات اعدام بوده است. کردستانی که من می شناسم بیشترین فعال سیاسی در مبارزه بر علیه حکومت اعدام و اسلام قربانی کرده است. کردستانی که من می شناسم پیش قدم مبارزه برای ریشه کن کردن فقر بوده است. کردستانی که من می شناسم داغ آرزوی اعدام زندانی سیاسی که حکمت مصاحبه این ملای مرتجع است را، بر دل ناسیونالیستها خواهد گذاشت.

حزب دمکرات کردستان، ظاهرا عضو انترناسیونال سوسیالیست، مجمع احزاب سوسیال دمکرات است. اگر این نظرات ارتجاعی و آدمکشانه ملا عبدالله حسن زاده را جلوی نمایندگان این مجمع بگذارند، حتما این حزب ارتجاعی را از محفل خود اخراج خواهند کرد. و ما هم مجبوریم برای افشای خواب و خیال شوم این دار و دسته مرتجع، انترناسیونال سوسیالیست را هم از نظرات ملای مرتجع و ناسیونالیسمی که ایشان نمایندگی می کند، مطلع کنیم.

۵ فوریه ۲۰۱۰

هر دم از این باغ ... از صفحه ۱

شکایات، اعدام و قصاص می کنند، انگشت و دست و پا می برند، شلاق می زنند، زنده بگور می کنند، در آتش می سوزانند و ایشان جز این، راه حل دیگری نمیدانند! ایشان وقتی از " فرهنگ ما" حرف می زند، منظورشان همان فرهنگ آخوندی است. عبدالله حسن زاده ظاهرا در آن گوشه‌ای از آبادی ای که ملایی می کرده، "فضای فکری و سیاسی و فرهنگی آن" طوری بوده که باید اعدام بکنند. تراوشات ذهن یک ملای مرتجعی که نمی تواند ببیند در سوئد و کانادا و بسیاری کشورهای دیگر کسی کسی را برای هیچ چیز کوچک و بزرگی به این راحتی نمی کشد، با وجود اینکه می داند اعدام نمی شود. در ایرانی که نصف جمعیتش را اعدام و نقص عضو کرده اند، فقر مرتب آدمها را به دست زدن به کارهای جنائی مجبور می کند.

انقلابی که در ایران در جریان است، اتفاقا برای برهم زدن همین مناسبات است. ملا عبدالله حیایی دارد رسما می گوید که قرار نیست حزب ایشان در فردای قدرت گیری قدمی برای ریشه کن کردن فقر بردارد. راه حل ایشان همان راه حلی است که جمهوری اسلامی ۳۰ سال است آن را بکار برده است. این ملای دارای

سال گذشته یکی از مهمترین کارهای حزب دمکرات کردستان ایران و تا این اواخر برای دوره هائی دبیرکل این حزب نیز بوده است، دارد کنه سیاستهای ناسیونالیسم کرد در برخورد به معضلات اجتماعی را به نمایش می گذارد.

نمی داند اصلا ضرورتی دارد که کسی امروز درباره مضرات قوانین قصاص و اعدام حرفی بزند. هر انسان شریفی، و لازم هم نیست که فعال سیاسی در عرصه خاصی هم باشد، امروز با قوانین مجازات اعدام مشکل دارد. فقط باید ناسیونالیسم کرد را از این زاویه هم افشا و طرد کرد.

برای اطلاع خوانندگان این سطور بگویم که عبدالله حسن زاده قبل از اینکه تمام وقت فعال سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران بشود، ملای یک آبادی در کردستان ایران بود. در خود این حزب ایشان را نه به نام عبدالله حسن زاده، که به نام ملا عبدالله حیایی می شناسند و مورد خطاب قرار می دهند. هنوز هم بعد از بیش از نیم قرن فعالیت سیاسی با این حزب، نمازش قضا نمی شود. در احادیث و کتب مذهبی ای که پشتوانه تفکر عبدالله حسن زاده هستند، برای رسیدگی به معضلات و

خطاب به حزب حکمتیست

از صفحه ۱

این جناح یعنی شکل دادن به جمهوری دوم غیر ممکن و عین سراب است. کنار رفتن ولایت فقیه و یا تضعیف آن بهر شکلی یعنی پایان جمهوری اسلامی.

جریان دیگری که دوست ندارد مردم در رویدادهای اخیر شرکت کنند حزب حکمتیست است. این جریان بر خلاف جناح "اصلاح طلب" رژیم خواهان سکوت و یا "خسونت نکنید" نیست. حزب حکمتیست اساسا مبارزه مردم در ایران را نمی بیند و تمام صحنه را طوری در مغز خود آرایش داده که گویا دو جریان اسلامی بخاطر سهم بیشتر از نعمات آن جامعه با هم درگیر هستند و مردم "بی چاره و مستاصل" عقل از سرشان پریده به دو بخش تقسیم شده اند و دارند به این دو جناح کولی می دهند. "مردم در خانه بمانید" دیگر به آیکون این حزب تبدیل شده و تلاش برای حذف مردم در مبارزات و قلب واقعیات کار هر روزه اعضا رهبری این حزب است. بیانیه ها و مصویبات حزب که بر تحلیلی بسیار بی پایه و غیر واقعی استوار است شکننده و هنوز چاپ نشده رنگ میبازند. این جریان پروسه حرکت و مبارزه مردم در ایران و جنگ جناحها را دلخواهی در نظر میگیرد و قادر نیست که جنگ جناحها را در شرایط سیاسی ایران توضیح دهد. جنبش موجود در ایران و نفرت عمیق از جمهوری اسلامی تضاد جناحها را به این دلیل که نظام را در خطر می بیند عمیق تر کرده و هر یک برای سریا نگه داشتن رژیم دیگری را مسئول میدانند. اینکه پیدایش دو خرداد و در ادامه رو در روئی جناح موسوی و کروبی با جناح دیگر تحت تاثیر و کمک ملی-مذهبیها و بی بی سی و غیره است با واقعیات کوچکترین ربطی ندارند. مبارزه جاری مردم با رژیم مبارزه ای بر سر تقلب در انتخابات و یا مسائل ظاهرا طرح شده سران جناحها نیست این مبارزه ای برای سرنگونی ج است که اتفاقا بی بی سی و هر دو جناح را به تگاپو و حزب کورش را به هزیناگونی انداخته است تحلیل هایشان سطحی و فاقد ارزش است به

صفحه ۴

نگاهی به سیاست و مواضع ...

از صفحه ۱

کثیف ترین شکل قتل عمد است. چون یک نهاد سیاسی، جلوی روی مردم، با اعلام قبلی، از قول جامعه، در نهایت حق بجانسی، در نهایت خونسردی، تصمیم به کشتن کسی میگیرد و روز و ساعت واقعه را هم اعلام میکند.

(مصاحبه فصلنامه خاوران با منصور حکمت پائیز ۱۳۷۹)

هدف این نوشته نقد و بررسی مختصری از مواضع و سیاستهای اتخاذ شده و اتخاذ نشده جریانات و نیروهایی است که بعضا با سکوت، برخی با شرط و شروط و تعدادی با موافقت خجولانه از اعدام، هنوز موضع و سیاست شفافی را در مورد لغو مجازات اعدام اعلام نکرده اند.

اعدام قتل عمد دولتی است مجازات اعدام و کشتن افراد توسط دولت، قتل عمد دولتی و عملی شنیع و ضد انسانی است و باید این قانون که اساسا دولت واقعیت را که مردم حکومت مذهبی نمی خواهند و اینکه این رژیم در مقابل جنبش عظیمی قرار گرفته که در آن مردم بطور همه جانبه از جمهوری اسلامی و بنیادهای این حکومت متنفر هستند را نمیخواهد ببیند و از مردم هم میخواهد که بمانند اعضای رهبری این حزب سر در لاک خود فرو ببرند و در خانه بمانند و زندانه میکوشد مردم را در انتظار ظهور یک نیروی رهائی بخش (دقیقا مانند ظهور امام مهدی) در یک روز نامعلوم خانه نشین کند. حزب کورش مدرسی نمیخواهد بفهمد که نفس شرکت وسیع و ابراز وجود سیاسی مردم و بویژه جوانان بزنان در روزهایی مانند قدس و عاشورا و سر دادن شعار سرنگونی جمهوری اسلامی، مرگ بر مردم بازکرد. اعدام قتل عمد

را سازمان داده و رهبری کرده است و هم اکنون کمیته بین المللی علیه اعدام، نامی شناخته شده در داخل و خارج از ایران است که در مواردی با تلاشهای خود توانسته است مانع اجرای احکام اعدام کسانی که در چنگال رژیم آدم کش اسلامی اسیر بوده اند بشود. گفتن و نوشتن از تلاش و فعالیتهای کمیته بین المللی علیه اعدام، خود نیازمند کار ویژه تری است اما همین اندازه کافی است گفته شود که تنها اطلاعیه ها، مطالب و نوشته های این کمیته در مورد لغو اعدام و تلاش برای نجات جان محکومین به اعدام را می توان با اسناد چندین سازمان و حزب سیاسی مقایسه کرد. این ابد اغراق نیست و می توان با رجوع به سایت و آرشیو کمیته بین المللی علیه اعدام از بدو فعالیتش تا به امروز این را نشان داد که چگونه بی وقفه و شبانروزی با صدور اطلاعیه، گذاشتن ساعتها برنامه زنده تلویزیونی که دهها و صدها هزاران نفر را علیه اعدام بحرکت درآورد و با کشاندن پارلمان اروپا بعنوان اهرم فشاری بر حکومت اسلامی، دمی از فعالیت برای لغو اعدام لغو احکام محکومین به اعدام نایستاده است. همانطور که بالاتر اشاره کردم متأسفانه لیست دیگری در مخالفت با اعدام و در میان احزاب و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون را نمی توان در اینجا قرار داد. اما از سوی دیگر و خوشبختانه جنبش علیه اعدام در میان مردم و در جامعه ایران و حتی در سطح افکار عمومی بین المللی بخوبی گوش شنوا دارد و فعالین این عرصه همراه با میلیونها نفر از مردم عاصی و ستمییده، برای برچیدن این قانون قرون وسطایی دارند می جنگند. این تنها نقطه اتکای مادی و واقعی برای برچیدن اعدام در ایران و هر جای دیگری است که جامعه را علیه این بربریت و توحش باید به حرکت درآورد.

موافقین اعدام
نقش و قوانین دولت و

صفحه ۴

دولتی است و باید لغو و برچیده شود.
مخالفین اعدام
در میان احزاب و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون ایرانی متأسفانه نمی توان لیست بلند بالایی از مخالفین اعدام را ردیف کرد و نه تنها این بلکه در برنامه این جریانات بندرت می توان اشاره به مسئله اعدام را در جایی پیدا کرد. دربرنامه اکثر احزاب و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون ایرانی موضعی دال بر مخالفت با اعدام در اسنادشان نقش نبسته است. بعضا در کنگره هایشان اگر حرفی یا طرحی در مورد لغو مجازات اعدام به میان آمده است، قادر به تصویب آن نشده اند و هنوز موضع صریح و روشنی ندارند. در ژوئیه ۱۹۹۴ یعنی نزدیک به ۱۸ سال قبل حزب کمونیست کارگری در برنامه یک دنیای بهتر بطور صریح و روشن در یک بند برنامه قید کرد که: "مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود." (یک دنیای بهتر صفحه ۵۶). از همان مقطع حول همین بند برنامه یک دنیای بهتر، در مورد لغو مجازات فوری اعدام تا به امروز صدها مقاله، مصاحبه و سخنرانی صورت گرفته است و طی این ۱۸ سال و به شهادت افکار عمومی، دوست و دشمن، این حزب و کمیته بین المللی علیه اعدام آن، تنها جریانی بوده است که برای لغو این قانون و این مجازات قرون وسطایی جنگیده است. سازمان ویژه و مختص به آن را درست کرد، در میان افکار عمومی در کشورهای غربی و بعنوان پرچمدار لغو مجازات اعدام شناخته شده است. کمیتههای دوره ای و مداومی در دفاع از محکومین به اعدام و در مخالفت با قوانین و مجازات اعدام در ایران

نگاهی به سیاست و مواضع ...

از صفحه ۲

است، نتایج معکوسی را مبنی بر تداوم مجازات اعدام بدست می دهد.

اتحادیه کمونیستها در برنامه اش در مورد لغو اعدام چنین می گوید:

یکی از مسائل مهم پیش پای دولت پرولتری، چگونگی برخورد به مجازات اعدام است. حزب پرولتاریا با مجازات اعدام تحت رژیم های ارتجاعی مخالف است.

تحت رژیمهای ارتجاعی این مجازات در کل علیه مخالفان سیاسی و افرادی اعمال می شود که در صف ستمدیدگان جای دارند.

صفحه ۵

صورت جناح موسوی/کهروی بهیچ وجه قادر به حل بحران و شکل دادن به حکومت اسلامی تعدیل یافته مورد نظرش نیست. شعار "حشونت نکند" از طرف این طیف در چنین شرایطی نعمت آسمانی برای جناح خامنه ای است. خامنه ای و دارو دسته اش نیاز مبرم به آرام کردن وضع دارند نیاز به زمان دارند که بتوانند نیرویشان سازمان دهند تا در فرصت بدست آمده مردم را عقب نشانند. جناح خامنه ای بمحض اینکه عقب نشینی جنبش را مشاهده کند، مانند تمام جریانات ضد انقلاب که برای اعاده

وضع از دست رفته از هیچ بی رحمی و حمام خون براه انداختن ابائی ندارند، نیروی سیاه و پر کینه ای از لباس شخصیتها و مرتجعین را به جان مردم خواهد انداخت و جامعه را به قهقرا خواهد کشاند. حکمتیستها انگار دوست دارند که نظاره گر این اتفاق باشند و سپس تحلیل‌هایشان را بر رخ بکشند و بگویند مردم تقصیر از شما بود. اما مسئله گری در مقابل هر دو جناح و بویژه جناح مغضوب و همچنین حزب حکمتیست قرار دارد که آنها را آزار میدهد و آن این است که نگه داشتن، تداوم اصلاح جمهوری اسلامی و بخانه فرستادن مردم غیر ممکن است.

۲۱ بهمن ۱۳۸۸

۱۰ فوریه ۲۰۱۰

این حربه کشتار کجا ایستاده اند. با مجازات قرون وسطایی اعدام مخالف هستند یا نه؟ احزاب، سازمانها و جریاناتی با نام چپ هستند که هنوز یا حرفی زده اند یا اگر حرفی زده اند یا نوشته اند، کماکان سیاستشان در این مورد ناروشن و مبهم است. بد نیست به مواضع و سیاستهای تائکونونی این جریانات و سازمانها در مورد مجازات اعدام نگاهی بیندازیم.

اتحادیه کمونیستها یا (سربداران) در برنامه اش می گوید: اعدام باید ممنوع شود اما در توضیح همین جمله که ممنوعیت اعدام را اشاره کرده

آمریکا بعنوان یک دولت بورژوازی سرمایه داری همچنان قانون سلب حق حیاط انسان را دارد اجرا می کند. اما تا جایی که به حکومت اسلامی بر می گردد، قطعا در جریان انقلاب جاری خواست لغو اعدام، این قانون ضد بشری، همزمان با به گور سپردن حکومت اسلامی و برقراری جامعه ای سوسیالیستی، آزاد، برابر و انسانی به گور سپرده خواهد شد. حکومت ضد بشری و در حال سقوط اسلامی، سی سال است با حربه اعدام به حیات خود ادامه داده است. اما در همین رابطه سؤال از احزاب و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون این است که در مقابل

"... نگران تر از تمام اینها اردوی قهرمانان چپ اند که جامه های پوسیده ۵۷ در ۸۸ را بر تن کرده اند تا تازدی سه دهه قبل را امروز در شکل کمدی روی صحنه آورند."

گفته های بسیار زنده راجع به انقلاب ۵۷ و قیام ۲۲ بهمین از زبان یکی از اعضای حزب حکمتیست. هر چند در برخی از نوشته های اعضای این حزب در یک دو جا از قیام باشکوه اسم برده شده است اما دید حاکم بر موضع رسمی این حزب همان است که محمد فتاحی عنوان کرده است. این موضع به موضع جناحهای رژیم شبیه است. قیام با شکوه ۲۲ بهمین به مردم انقلابی و آزادیخواه متعلق است که به دلیل ماهیت آن یعنی بر چیدن سیستم سرکوب رژیم شاه همواره انگیزه قدرتمندی در مقابل جمهوری اسلامی به مردم داده است و دلیل گرامی داشت و شکوه این روز در همین نکته نهفته است.

۲۲ بهمین روز قیام قهرمانانه مردم در تهران بر علیه رژیم شاه بود. قیامی که طی آن پادگانها و کلیه ارگانهای نظامی و سرکوبگر توسط مردم انقلابی مورد حمله قرار گرفته و تصرف شدند. مردم خاطره های بسیار شیرینی از همبستگی اتحاد، جانفشانی و فداکاری در جریان نبردها دارند و بویژه احساس غرور و توانائی و اعتماد به نیروی خود که هیچگاه فراموش نخواهد شد. مردم با

طبقاتی وسیعتری در جامعه هستند که نه تنها در مقابل جنبش علیه اعدام ایستاده اند بلکه موجودیت چنین دولتها و نظامهایی همچون حکومت اسلامی، اساسا در تولید و بازتولید قتل عمد دولتی، برقراری چوبه های دار و تصویب قوانین ضد انسانی اعدام، بانی و مسبب قتل و کشتار در جامعه هستند. جامعه طبقاتی تحت حاکمیت حاکمان دیکتاتور و مرتجع سرمایه داری، از وضع کنندگان، قانون گذاران و مجریان مجازات اعدام هستند. دولت

دولتهایی که کماکان قانون اعدام را اجرا می کنند مورد نظر این تیتیر نیست. دولتهای طراح و مجریان قانون مجازات و احکام اعدام را نمی توان بعنوان موافقین مجازات اعدام نام برد بلکه خود این دولتها اصل صورت مسئله در بنیان گذاشتن این کثیف ترین قانون ماقبل قرون وسطایی هستند، بانی و قانونگذار مجازات اعدام هستند. دولتهایی که همچنان این قوانین ضد بشری را در دستور خود دارند و مشغول اجرای آن هستند، مسئله یک جدال سیاسی، اجتماعی و

خطاب به حزب حکمتیست

از صفحه ۲

هم اکنون مسئله سرنگونی رژیم و راه های جلوگیری از آن و سرکوب جنبش انقلابی مردم یکی از بندهای مهم و ثابت جلسات و برنامه های سران حکومت اسلامی است و همین امر یعنی حفظ کردن نظام و سرکوب اعتراضات رکن اصلی وظایف کنونی ارگانهای دولتی را تشکیل میدهد زیرا که سران این رژیم دد منش و جانی به این امر واقف هستند که در بحران عمیقی قرار دارند و راه پس و پیشی ندارند. میدانند که از هر طرف مورد هجوم مردم و جوانان قرار دارد و بی تردید این نبرد تا سرنگونی رژیم ایت اله های میلیاردر و این سیستم قتل و کشتار ادامه خواهد یافت. اما حزب کوروش مدرسی که بی ربطی خود را به جامعه ایران و مبارزات جاری در آن از ابتدای تاسیس خود نشان داده است قادر به درک و سیر پیشرفت مبارزات انقلابی مردم نبوده و به همین جهت با ضدیتی که در تقابل با امید و تلاش مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی درپیش گرفته هر روز بیشتر از پیش موضع ارتجاعی و بازدارنده اتخاذ میکند. محمد فتاحی یکی از اعضای رهبری این حزب در نوشته ای در تاریخ ۲۲ کمنیست بود" چنین مینویسد:

اصل ولایت فقیه پاره کردن و به اتش کشیدن بنر حزب اله لبنان و عکس خامنه ای و حرکت شور انگیز مردم سیرجان پایه های این حکومت را بلرزه در آورده است.

جنبش انقلابی مردم ایران بویژه در چند ماهه اخیر ابتکاراتی بخرج داده و شیوه هائی را در مبارزه با جانیان جمهوری اسلامی انتخاب کرده که در تاریخ سنت و مبارزه ازادیخواهانه مردم ایران بی سابقه است. دقیقا روزهای جمهوری اسلامی مثل روز قدس، عاشورا تا سوعا که بعنوان روزهای مذهبی و مهم اسلام سیاسی تعیین و تثبیت گشته واز لحاظ سیاسی روزهایی برای تبلیغ و بسیج مرتجعترین اقشار جامعه بر علیه آزادی خواهی بر علیه خواست کارگرمز و جوان بود از طرف مردم به روزهای بسیج بر علیه سرکوب و بنیادهای جمهوری اسلامی تبدیل شد. روز ۶ دی روز عاشورا به یکی از روزهای مهم تاریخ مبارزات مردم ایران که در آن جنبش انقلابی در بعدی وسیع نه تنها در مقابل تعرض نیروهای انتظامی و خیل لباس شخصیتها ایستادگی کرد بلکه تعرض نیروهای رژیم را جواب داد و بتعرض پرداخت. جمهوری اسلامی در این روز شکست سختی خورد و سر در گم و بی افق تر شد.

نگاهی به سیاست و مواضع ... از صفحه ۴

(گویا اگر مجازات اعدام تحت رژیمهای ارتجاعی نباشد امری مشروع و مقبول است.) و در ادامه می نویسد: و هدف از آن، تحکیم دیکتاتوری طبقات ارتجاعی، تقویت دستگاه سرکوبگر و حکمفرما کردن فضای خفقان است. دشمنان پرولتاریا و خلق از این مجازات برای به بند کشیدن کل توده های ستمدیده و مخالفان نظم موجود استفاده می کنند. در جامعه نوین، مجازات اعدام بطور کلی لغو نمی شود ولیکن بندرت صورت می گیرد. برنامه این سازمان تا همینجا روشن و واضح بیان کرده است که مخالف لغو

شکستن تام و تمام دستگاه سرکوب و جنایت جمهوری اسلامی با تعرض و قدرت انقلاب مردم تنها راه واقعی، انسانی و کم هزینه برای پایان دادن به خشونت و برقراری جامعه ای است که آزادی و حرمت و رفاه انسان را اساس کار خود قرار میدهد.

حزب کمونیست کارگری همه زنان و مردان آزاده، همه کارگران، معلمان، دانشجویان را فرامیخواند تا در روز ۲۲ بهمن به خیابان بیابند، روز ۲۲ بهمن خیابانها مال ماست و باید تکلیف بختکی که بیش از ۳۰ سال جامعه را به تباهی کشانده معلوم کرد. در ۲۲ بهمن باید با اتکا به قدرت میلیونی مردم در زندانهای رژیم را شکست و زندانیان سیاسی را آزاد کرد. باید بدون حجاب به خیابان آمد و آپاراتید جنسی را عملا در هم شکست. باید چوبه های دار را به آتش کشید و اعدام را برای همیشه متوقف کرد. باید قوه قضاییه، وزارت اطلاعات، صدا و سیما و سایر مراکز دولتی را به محاصره درآورد و یکصد فریاد برآورد جمهوری اسلامی بس است! اعدام، زندان و شکنجه بس است! حکومت ضد زن بس است! حکومت مذهبی و خرافه و دروغ بس است! فقر و فلاکت و بیکاری و حکومت آیت الله های میلیاردر بس است! باید جمهوری اسلامی را تماما درهم شکست و بجای آن حکومتی انسانی، حاکمیت مستقیم شوراهای همه شهروندان، یعنی جمهوری سوسیالیستی را برقرار کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زند باد انقلاب انسانی برای
حکومت انسانی
زند باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ بهمن ۱۳۸۸ - ۳ فوریه ۲۰۱۰

اعدام است. و در ادامه این برنامه می خوانیم که: پایه مادی چنین قوانینی، ادامه موجودیت طبقات و تخصصات طبقاتی در جامعه سوسیالیستی است. اعدام برخی عناصر - مشخصا آن دسته نمایندگان دولت ارتجاعی کنونی که آمر و عامل جنایات بزرگی علیه مردم بوده اند - کاری مثبت و ضروری است. اعدام این جانیان در خدمت نابودی ماشین کهنه دولتی و استقرار نهادهای اعمال قدرت توده ای است. این امر به ویژه در مراحل اولیه ایجاد دولت انقلابی صدق می کند که دولت نو یا هنوز تحکیم نشده و نیروهای زخم خورده ارتجاعی با براه انداختن موج جنایت و خرابکاری عکس العمل نشان می دهند. سیاست دولت اینست که اعدام هر چه کمتر انجام شود؛ اجرای حکم اعدام به جز در موارد نادر به تعویق افتد و به محکومان فرصت اصلاح و بازسازی داده شود. نهادهای محلی حق اجرای اعدام را ندارند و تصمیم گیرنده در این مورد، دیوان عالی کشور است. در مورد جرائم سنگین، توده ها برای بحث و اظهار نظر و قضایاتی که باید صورت گیرد، بسیج می شوند. دولت پرولتری، هرگز مخالفان سیاسی را اعدام نخواهد کرد و جهتگیری این دولت، لغو مجازات اعدام بطور کلی است. اتحادیه کمونیستهای ایران سرمداران

(تمام خط تاکیدات از من است)
شاید برای خواننده سطور بالا از برنامه سازمان سرمداران به اندازه کافی گویا باشد که در لابلای مخالفت با اعدام، چگونه تداوم اعدام این توحش حکومت اسلامی و حاکمان قرون گذشته را دارد نهادهای می کند. می گوید: با مجازات اعدام تحت رژیم های ارتجاعی مخالف است. تحت رژیمهای ارتجاعی این مجازات در کل علیه مخالفان سیاسی و افرادی اعمال می شود که در صف ستمدیدگان جای دارند منظورشان این است که اگر

رژیم مورد نظر آنها ارتجاعی نباشد مجازات اعدام می تواند احیا شود. خواننده نمی تواند هیچ تصویر برداشت دیگری غیر از این بگیرد. گویا اگر رژیمی غیر ارتجاعی سر کار باشد مثلا دولت مقبول اتحادیه کمونیستها بر سر کار آید، مجاز است و می تواند نمایندگان دولت ارتجاعی کنونی که آمر و عامل جنایات بزرگی علیه مردم بوده اند اعدام کنند و آنرا کاری مثبت و ضروری هم می دانند. نفس همین استدلال یعنی گرفتن جان انسان.

حال چه نماینده دولت باشد چه مهره های اصلی حکومت، توسط دیوان عالی کشور مورد نظر این سازمان، همان قتل عمد دولتی است. از نویسندگان برنامه اتحادیه کمونیستها باید پرسید اولا تحت حاکمیت همین دولتها که رژیمهای بورژوازی نیز هستند و بورژوازی بودن یک حکومت نیز به اندازه کافی گویای ارتجاعی بودن آن هم هست، به یمن مبارزات بخشهای رادیکال و آزادیخواه جامعه، این مبارزات و این تلاشها توانسته است لغو مجازات اعدام را به همین دول ارتجاعی بورژوازی تحمیل بکند. آیا رژیمهای بورژوازی موجود در اروپا ارتجاعی نیستند؟ پس چرا در اکثر قریب به اتفاق آنها مجازات اعدام وجود ندارد؟. به این ترتیب باید گفت که برنامه سیاسی سازمانی چون سرمداران که خود را چپ و کمونیست هم می داند، در برخورد به مسئله اعدام، ارتجاعی تر از دولتهای بورژوازی مرتجع است که خوشبختانه اعدام را از قوانین جزایی خود برداشته اند. چنین دولتهای بورژوازی مرتجعی اعدام را کنار گذاشته اند اما سازمان "چپ و کمونیستی" چون اتحادیه کمونیستها با تبصره و شرط و شروط گذاشتن، هنوز از قوانین قرون وسطایی اعدام دفاع می کند.

با استدلالی که این دوستان در برنامه شان آورده اند باید گفت که دولتهای بورژوازی که از منظر طبقه کارگر و کمونیستها ساهاست که با ارتجاعی بودنشان، با استثمار طبقه کارگر و دهها فلاکت اجتماعی که بر سر جامعه آورده اند، دست کم به یمن مبارزات و دستاوردهای

جامعه بشری، لغو مجازات اعدام را به همین دولتهای بورژوازی تحمیل کرده است. اما سازمانی که خود را "چپ، کمونیست و مترقی" می داند، نظیر اتحادیه کمونیستها، دارد از کشتن انسان دفاع می کند. این عمق پرت و پلا گویی و سردرگمی محض این جریان است. پزی را که برنامه سرمداران در ابتدا در مخالفت با اعدام به خود گرفته است در این جمله رنگ می بازد که می گوید: در جامعه نوین، مجازات اعدام بطور کلی لغو نمی شود ولیکن بندرت صورت می

گیرد. همین جمله بخوبی گویا و روشن است که تیتیر "مخالفت با اعدام" توسط سازمان سرمداران، یک شارلاتانی تمام عیار است. آنهم اینکه می گوید "مجازات اعدام بطور کلی لغو نمی شود ولیکن بندرت صورت می گیرد". بر بستر نقد موضع این سازمان خواستم نشان دهم جریانی که سر در برنامه اش را با تیتیر "لغو مجازات اعدام" آزیبن بندی کرده است دارد گنجشک را به نرخ قناری به مردم میفروشد. این سیاست و این توضیحات سرمداران نه تنها مخالفت با اعدام بلکه دارد از اعدام با انواع تبصره ها و توجیهات ارتجاعی و عقب مانده دفاع می کند. این یکی نمونه تبییك حقه بازی و کلاهبرداری جریانی است که ظاهری آراسته را در تیتیر برنامه اش بخود می گیرد.

این چنین سیاستی این درک را به جامعه القا می کند که گویا باید بعد از هر دور سرنگونی رژیمی توسط مردم انقلابی، برای مدتی تعدادی را اعدام کرد. چنین سیاستی نه تنها مانع از لغو مجازات اعدام نیست بلکه در خود نیز می کوشد تا قانون قصاص را هم سر جای خود نگه دارد. در هر حال چنین استدلالی هیچ ربطی به لغو مجازات اعدام و برچیدن این قوانین ضد انسانی ندارد. تا همین جا متوجه شدیم که سازمان سرمداران با ژست "مخالف مجازات اعدام"، یکی از مدافعین تداوم اعدام این قانون قرون وسطایی است.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در يك جمله در برنامه اش می گوید "ممنوعیت شکنجه و حکم اعدام". (خط تاکید از من) تا آنجا که به این فرمولبندی در مورد اعدام در برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بر می گردد، گفته اند حکم اعدام باید لغو شود. یعنی اینها مخالف خود قانون مجازات اعدام که سر منشاء صدور احکام است نیستند و تنها با احکام صادر شده و نشات گرفته شده از مجازات اعدام که نزد این سازمان وجود و بقای این مجازات فرض گرفته شده است، با خود احکام صادره از مجازات اعدام مخالف هستند. این سیاستی بسیار آبکی و سطحی از مواضع این سازمان است که کاری به قانون مجازات اعدام ندارد و در مقابل تداوم این مجازات در ساختار حکومتی آینده مورد نظرشان سر تعظیم فرود می آورند. بنابر این به زعم اینها نیز مجازات اعدام باید باشد ولی حکم اعدام داده نشود و سایه يك هیولای ماقبل قرون وسطایی همچنان بر بالای سر جامعه برقرار باشد. حکم اعدام با خود قانونی که مجازات اعدام را در بغل خود دارد یکی نیست. حکم اعدام بر بستر موجودیت قانون مجازات اعدام صادر می شود و مخالفت صرف با احکام داده شده کافی نیست. باید قانون مجازات اعدام را ریشه کن کرد تا دیگر کسی شاهد بیرون زدن احکام صادره از درون قانون مجازات اعدام هم نباشد. ازجریانات دیگری چون حزب سوسیالیست ایران، چریکهای فدایی خلق و حزب طوفان که بگذریم، که در اصل فاقد برنامه سیاسی هستند تا بتوان فهمید که در مورد مجازات اعدام چه موضع و سیاستی دارند و اینکه تا کنون سندی از حزب رنجبران و راه کارگر نیز در مورد مجازات اعدام در جایی یافت نشده است، به مواضع و سیاست جریانات راست اشاره ای می کنم.

احزاب و جریانات راست بدون تردید سیاست شان با و بدون هر برنامه ای دفاع از اعدام است. اگر

۲۲ بهمن روز تعرض گسترده به سرکوبگران و اوباشان جمهوری اسلامی است!

انسانی و سرکوبگرانه است و باید تماماً ملغی شود و احکام اعلام زندانیان بدون قید و شرط لغو گردد. این يك خواست مهم انقلاب حق طلبانه ما است.

زنده باد انقلاب آزادیخواهانه مردم ایران
نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ بهمن ۱۳۸۸

تجمعات با شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، از زندانیان و خانواده های آنها که این روزها در مقابل اوین تجمع میکنند دفاع کنیم. در زندانها را باید به نیروی خود در هم شکنیم. روز ۲۲ بهمن به هر شکل که میتوانید حرکت شجاعانه خانواده های زندانیان سیاسی را تقویت کنید و در مقابل زندان ها نیز دست به تجمع بزنید. باز کردن در زندانها مقدمه سرنگونی حکومت اسلامی است.

۲۲ بهمن همه جا اعلام کنیم که مجازات اعدام يك عمل ضد

۲۲ بهمن روز برداشتن حجاب و بدون حجاب به خیابانها رفتن است. برداشتن حجاب تعرض سیاسی و ایدئولوژیک بزرگی به پایه های حکومت متحجر و ضد زن اسلامی است. "آزادی زن معیار آزادی جامعه است" و خواست "برابری بی قید و شرط زن و مرد" حکم خدشه ناپذیر انقلاب حاضر است. حجاب اسلامی را با زور سرنیزه به زنان تحمیل کردند و اکنون به قدرت انقلاب باید آنرا به دور انداخت.

۲۲ بهمن روز فشار برای آزاد کردن زندانیان سیاسی است. در همه

جمهوری اسلامی با تعرض و قدرت انقلاب مردم تنها راه واقعی، انسانی و کم هزینه برای پایان دادن به خشونت و برقراری جامعه ای است که آزادی و حرمت و رفاه انسان را اساس کار خود قرار میدهد.

۲۲ بهمن روز فراری دادن سرکوبگران حکومت از خیابانها و محلات و کنترل آنها بدست مردم است. گوشمالی دادن اوباشان حکومت در روز ۶ دیماه باید مقدمه تعرض گسترده تر و قاطع تر ما در روز ۲۲ بهمن باشد.

۲۲ بهمن روز تعرض گسترده به سرکوبگران و اوباشان جمهوری اسلامی است. کسی که یورش مردم به اوباشان جنایتکار رژیم را تحت عنوان خشونت محکوم میکند، دارد مودیانه از حکومت سراپا خشونت اسلامی دفاع میکند. خشونت طلب کسی است که از بقاء خشن ترین و جنایتکارترین حکومت تاریخ معاصر بیشرمانه دفاع میکند. مردم حق دارند به سرکوبگران مانند روز ۶ دی حمله کنند و آنها را در هم بکوبند. درهم شکستن تام و تمام دستگاه سرکوب

نگاهی به سیاست و مواضع ...

از صفحه ۴

انسانی بتواند پاسخگوی کل نیازمندیهای آن جامعه در تمام زمینه ها باشد، مسیر طولانی رسیدن به جامعه ای بدون تخلف را توانسته است در کوتاهترین زمان پیماید.

با توجه به نقد و بررسی مختصری که در این نوشته در مورد مواضع و سیاست احزاب و سازمانهای اپوزیسیون ایرانی بر شمرده شد. لازم است این جریانها را اگر واقعا ریگی به کفش ندارند، موضع و سیاست رسمی خود را در مورد لغو فوری و بی چون و چرای مجازات اعدام و بدون هیچ گونه قید و شرطی بیان کنند. باید اعلام کنند که نفس کشتن هر تک انسانی توسط هر حکومتی ممنوع است و روشن و صریح لغو اعدام را خواستار شوند. درغیر این صورت شانه بالا انداختن این جریانها جای شک و تردید خواهد بود و جنبش اجتماعی میلیونی مردم علیه اعدام، این نیروها را مدافع قتل و کشتن شهروندان جامعه خواهند شناخت. این جریانها باید موضع صریح و روشن خود را در قبال مسئله اعدام بطور شفاف و روشن رو به جامعه اعلام کنند.

۹ فوریه ۲۰۱۰

شود، هدف باید ریشه یابی چنین اتفاقی و جلوگیری از بروز مجدد آن و همچنین اصلاح و بازگرداندن فرد خاطی به جامعه باشد. با یافتن ریشه های چنین بروزاتی که منجر به کشته شدن کسی شده باشد، باید برای طرف دیگر ماجرا این امکان را فراهم نمود که بتواند با بهره گیری از امکانات پزشکی، آموزشی، روانشناسی و هر امکان دیگری که می تواند در اصلاح فرد خاطی موثرافتد، آنرا بکار گرفت تا بتواند به زندگی عادی بازگردانده شود. گفتن در این زمینه به قوانین حاکم بر يك جامعه بر می گردد که این به تنهایی می تواند بحث جداگانه ای باشد که مثلاً جرائمی که ممکن است در يك جامعه آزاد برابر و انسانی روی دهد، چه قوانینی را باید برای جلوگیری از تداوم آن وضع کرد که فعلاً مورد نظر این نوشته نیست و من در اینجا وارد آن نمی شوم. اما مسئله سالم نگاه داشتن يك جامعه انسانی از هر گونه خطایی، قبل از اینکه به قوانین و مقررات حکومت در چنین جامعه ای مربوط باشد، بدو به مناسبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی حاکم بر آن جامعه بستگی دارد. به هر اندازه يك حکومت سالم و

دولتی است و این سیاست ارتجاعی فرقی با تراواشات ارتجاعی آیت اله های حکومت اسلامی در کشتن انسانها ندارد. اما هنوز رهبری این حزب بطور رسمی اظهارات حسن زاده را نه رد کرده و نه تایید کرده است. سکوت و عدم موضع گیری رسمی حزب دمکرات کردستان در مورد نقطه نظرات یکی از اعضای رهبری اش عبدالله حسن زاده، به معنای تایید این نظرات از سوی این حزب تلقی می شود. این سیاست عقب مانده و دفاع آشکار این جریان از مجازات اعدام از سوی هر جریان و هر انسان آزادیخواهی باید محکوم شود و هرچه بیشتر این حزب و جریانها دیگری که با هر عذر و بهانه ای از مجازات اعدام دفاع می کنند را افشا و رسوا کرد.

در خاتمه اضافه کنم که آنچه مسلم است این است که در يك دولت سکولار، انسانی و سوسیالیستی در فردای سرنگونی حکومت اسلامی، مقوله ای بنام مجازات اعدام همراه با رژیم اسلامی برای همیشه به گور سپرده خواهد شد. در ساختار حکومت انسانی آینده و در صورت وقوع اتفاقی که ممکن است به کشته شدن کسی توسط فرد دیگری منجر

کرد که از حزب دمکرات انشعاب کرده است و به نام "حزب دمکرات کردستان" فعالیت می کند، اخیراً از طرف عبدالله حسن زاده دبیر کل سابق این حزب و یکی از کادرهای رهبری فعلی آن، از مجازات اعدام دفاع کرده است. متن سخنان عبدالله حسن زاده چنین است: "لغو مجازات اعدام در يك منطقه و در يك کشور که فضای فکری و سیاسی و فرهنگی آن مثل منطقه و کشور ما باشد درست نیست. او در ادامه می گوید: در فرهنگ ما اگر کسی بداند که او را نخواهند کشت، بخاطر چیز بسیار کم ارزشی آماده است که کسی را بکشد. بنابراین بهترین بازدارنده این است که چنین شخصی بداند اگر کسی را بکشد خود نیز کشته خواهد شد."

چنانکه می بینید حزب دمکرات کردستان نیز به این شیوه از زبان یکی از اعضای کادر رهبری اش از اعدام دفاع می کند. در برخورد به این سیاست ارتجاعی و عقب مانده عبدالله حسن زاده و بعد از بروز دادن این نظرات منجر کننده گفتیم که اعدام قتل عمد

کسی بخواهد از موضع و سیاست آنها در مورد اعدام جویا شود، چیزی عایدش نخواهد شد و تلویحاً اینجا و آنجا از مجازات اعدام دفاع کرده اند. جریانهای چون، اتحاد جمهوریخواهان، اتحاد دمکراسی خواهان ایران، چیزی به اسم برنامه ندارند. چه رسد به اینکه بخواهند جمله ای در مورد اعدام گفته باشند. جریان سلطنت طلب و طرفداران حکومت سابق نیز وضعشان در این رابطه کاملاً روشن است و سکوت این سازمانها معنایی جز تایید مجازات اعدام در حکومت آینده مورد دلخواه اینها نیست.

احزاب و نیروهای ناسیونالیست و قوم پرست نیز با سکوت کرده اند یا با بی شرمی تمام از اعدام دفاع می کنند. حزب دمکرات کردستان ایران در تصویب برنامه اش در کنگره سیزده این حزب در سال ۱۳۸۳ یعنی ۵ سال قبل، هیچ اشاره ای به اعدام یا لغو آن نکرده است. بخش دیگری از ناسیونالیسم

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!